از میان خبرها

همزمان با میلاد امام رضا(ع):

قاتل جوان از قصاص رهایی یافت

توکلی- رئیس حوزه قضایی شهرستان فاریاب در مراسم گذشت اولیای دم که با حضور خادمان حرم رضوی، ریش سفیدان و جمعی از مسئولان محلی انجام گرفت، گفت: خانواده نیکوکار فاریابی و اولیای دم به مناسبت دهه کرامت و میلاد امام رضا(ع) باگذشت از اجرای حکم قصاص، حیاتی دوباره به قاتل ۲۱ ساله بخشیدند. به گزارش خبرنگارما، قاضی سالاری از اقدام خداپسندانه اولیای دم(پدر، مادر و همسر) که با شجاعت و تقوا از حق قصاص خود گذشتند، قدردانی کرد. این مسئول قضایی، گسترش صلح وسازش در جامعه رایکی از توصیه های مهم دین اسلام به مردم ذکر کرد و افزود: ضرورت دارد فرهنگ گذشت و ایثار بیش از گذشته در جامعه ترویج داده شود تا باز هم شاهد چنین صحنه های زیبایی در جامعه باشیم.

وی خاطر نشان کرد: این جوان اهل شهرستان فاریاب است که در سال ۹۳ بر اثر خشم آنی و پس از یک مشاجره، با سلاح گرم جوانی را به قتل می رساند. وی یادآور شد: با توجه به اظهار پشیمانی محکوم و تایید حسن خلق و رفتار متهم از سوی زندان جیرفت و این که فاقد سابقه کیفری و از طرفی در هنگام ارتکاب جرم یک نوجوان ۱۶ ساله بوده و قتل با نقشه قبلی نبوده و به صورت ناگهانی رخ داده است، زمینه وساطت و تلاش برای ایجاد صلح وسازش و گذشت از قصاص فراهم شد. این مقام قضایی در پایان، از همه بزرگان و ریش سفیدان و به ویژه خادمان امام رضا(ع) تشکر و قدردانی کرد.

برخورد قطار با خودرو در جمهوری چک ۴ قربانی گرفت

بعدازظهر روز یک‌شنبه گذشته در پی برخورد یک دستگاه خودرو با قطاری در حوالی یک روستای کوچک واقع در شمال شرق جمهوری چک، چهار نفر از جمله دو کودک و دو بزرگ سال کشته شدند. به گزارش ایسنا، این قطار و خودرو در محل تقاطع جاده و ریل راه‌آهن در روستای «تشرنوژیتسه» در منطقه «هرادتس کرالووه» با یکدیگر برخورد کرده‌اند که در این حادثه، خودرو به طور کامل درهم کوبیده شده است. این تقاطع مجهز به چراغ‌های هشدار بوده اما هیچ گونه گیت عبوری نداشته است. در این تصادف سرنشینان خودرو همگی در دم جان باخته‌اند. قربانیان یک مرد ۴۷ ساله و همسر ۳۲ ساله‌اش به همراه دو کودک هشت و پنج ساله‌شان بوده‌اند. قطار درگیر این حادثه نیز ۸۰ سرنشین داشته که هیچ آسیبی به مسافران آن وارد نشده است. این دومین حادثه مرگباری است که در چند روز اخیر در محل تقاطع جاده و راه‌آهن در جمهوری چک به وقوع می پیوندد. بعداز ظهر روز شنبه نیز یک ون و قطار در غرب این کشور با یکدیگر برخورد کردند و منجر به مرگ یک نفر و زخمی شدن هفت نفر دیگر شدند. بنابر گزارش خبرگزاری شینهوا، علت وقوع این حادثه هنوز در دست بررسی است.

جزئیات مجروح شدن راننده نماینده اصفهان

حدود ساعت ۲۰:۱۵ یک شنبه شب گذشته، حجت‌الاسلام احمد سالک، نماینده مردم شریف اصفهان برای ضبط برنامه تلویزیونی در دفتر یکی از شبکه‌های تلویزیونی حضور یافت. به گزارش رکنا، راننده وی نیز در خیابان دانشگاه، تقاطع خیابان لبافی‌نژاد منتظر اتمام ضبط برنامه بود تا پس از آن به همراه نماینده مردم اصفهان به دفتر کار مراجعت کند. حدوداً ۱۵ دقیقه از توقف

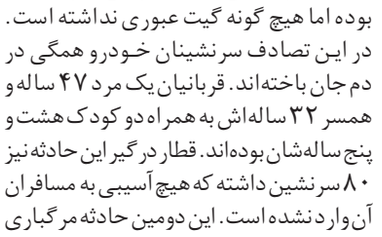

خودرو کنار خیابان گذشته و راننده داخل خودرو مشغول کار با تلفن همراه بود که یک دستگاه موتورسیکلت با دو سرنشین حدوداً ۱۷ تا ۱۸ ساله نزدیک این خودرو شدند. نفر ترک‌نشین ضمن پیاده شدن از موتورسیکلت ظاهراً به قصد سرقت به خودرو نزدیک و راننده که متوجه موضوع شد و به دنبال آن‌ها دوید.

راننده حین حرکت به سمت سارقان، با مسلح کردن اسلحه یک تیر هوایی شلیک کرد. در نهایت حین قرار دادن اسلحه داخل غلاف، با توجه به مسلح بودن اسلحه یک تیر شلیک شد و به پای راست این فرد اصابت کرد که وی بر اثر این حادثه مجروح شد.

سردار حمید هداوند، جانشین فرمانده انتظامی تهران بزرگ گفت: تیم های پلیس پیشگیری و آگاهی در تلاش برای شناسایی و بازداشت متهمان این پرونده هستند.

پارس سگ ها، سرآغاز درگیری تازه داماد با مهاجم ناشناس شد

جنایت مسلحانه در دامداری!

سجادپور- تازه داماد ۳۴ ساله در پی درگیری مسلحانه با مهاجم ناشناسی که در تاریکی شب کمین کرده بود، با شلیک گلوله های ساچمه ای از سلاح شکاری به قتل رسید.

به گزارش خراسان، ماجرای این پرونده جنایی در دقایق اولیه بامداد روز گذشته زمانی آغاز شد که پارس بی وقفه سگ های داخل باغ، تازه داماد جوان را نگران کرد. او که چند ماه قبل همسرش را به منزل روستایی آورده بود تا زندگی آرام و بی دغدغه‌ای را کنار یکدیگر تجربه کنند، ناگهان نگاه تعجب آمیزی به همسرش انداخت و به سوی سلاح شکاری خودش رفت. این جوان ۳۴ ساله سلاح را برداشت و در حالی که صدای پارس سگ ها قطع نمی شد به داخل باغ رفت تا علت آن را دریابد اما هنوز به محل نگهداری گاوهایش نرسیده بود که با شلیک گلوله در تاریکی شب غافلگیر شد. او که حیران و وحشت زده و در فضای تاریک باغ به دنبال عامل شلیک های وحشتناک می گشت، در یک لحظه نقش بر زمین شد چرا که چندین گلوله ساچمه ای به نقاط مختلف بدنش اصابت کرده بود! تازه داماد مجروح در همین حال روی زمین دراز کشید و به سمتی شلیک کرد که صدای گلوله از آن سو برمی خاست.

مرد ۳۴ ساله حدود سه گلوله شلیک کرد ولی دیگر توان درگیری نداشت و غرق در خون بود، وقتی برای چند لحظه از روی زمین بلند شد تا به سوی منزلش فرار کند ناگهان شلیک های مرگبار مهاجم ناشناس دوباره فضای تاریک باغ را شکافت و باز هم گلوله های ساچمه ای دیگری بر سر و سینه وی نشست.

مرد مجروح در همان حال و با زحمت زیاد خود را کشان کشان به منزلش رساند اما همسر وی با دیدن این صحنه دلخراش، دچار شوک شد. او با جیغ و فریاد در حالی از همسایگانش و اهالی روستای اندروخ در منطقه سد کارده مشهد کمک خواست که شوهرش غرق در خون بود و نفس های آخرش را می کشید!

گزارش خراسان حاکی است، همزمان با فریادهای زن جوان، تعدادی از اهالی محل با اضطراب و نگرانی خود را به منزل ناصر (مرد مجروح) رساندند و هر کس به طریقی در تلاش بود تا جان او را نجات بدهد! ولی اقدامات آن ها فایده ای نداشت تا این که تازه داماد مجروح به بیمارستان شهید هاشمی نژاد مشهد انتقال یافت و بلافاصله کادر درمانی وارد عمل شدند اما مرد مجروح علایم حیاتی نداشت و بر اثر عوارض ناشی از اصابت گلوله های متعدد ساچمه ای به قتل رسیده بود! دقایقی بعد، ماجرای این جنایت مسلحانه از سوی کارکنان بیمارستان به پلیس گزارش شد و این گونه بود که قاضی ویژه قتل عمد حدود ساعت ۲ بامداد روز گذشته برای بررسی این پرونده جنایی به مرکز درمانی رفت.

هنوز بررسی های قاضی علی اکبر احمدی نژاد در سردخانه بیمارستان ادامه داشت که گروه ویژه ای از کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی به همراه عوامل بررسی صحنه جرم به بیمارستان شهید هاشمی نژاد رسیدند و تحقیقات میدانی خود را با راهنمایی های مقام قضایی آغاز کردند.

بررسی های اولیه با توجه به اظهار نظر کارشناسان سلاح نشان می داد که مهاجم مسلح از فاصله حدود ۱۵ تا ۲۰ متری به سوی تازه داماد شلیک کرده است چرا که پراکندگی محل اصابت گلوله های ساچمه ای در پیکر مقتول، حکایت از آن داشت که گلوله ها از فاصله دور و به طور غافلگیرانه شلیک شده اند.

بنابر گزارش خراسان، پس از بررسی های مقدماتی در مرکز درمانی، گروه ویژه کارآگاهان در کنار قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد عازم روستای اندروخ شدند جایی که درگیری مسلحانه در آن جا رخ داده بود. ادامه تحقیقات نشان می داد، ناصر (مقتول) چندین راس دام سنگین (گاو) را در باغ محل سکونت اش پرورش می داد و به دامداری مشغول بود. او چند ماه قبل نیز همسرش را به منزل خودش در همین باغ آورده بود تا زندگی مشترک را در کنار همدیگر شروع کنند اما...

این گزارش حاکی است، در پی انجام یک سری تحقیقات میدانی که تا سپیده دم روز گذشته به طول انجامید، کارآگاهان به سرپرستی سرهنگ نجفی (افسر پرونده) به بازرسی منزل مقتول پرداختند و علاوه بر سلاح شکاری، تعدادی تیر جنگی نیز کشف کردند.

در همین حال یکی از اهالی محل که برای یاری فرد مجروح آمده بود، طی اظهاراتی گفت: زمانی که من برای نجات ناصر به او تنفس مصنوعی می دادم احساس می کردم او دیگر علایم حیاتی ندارد و فقط از برخی نقاط بدن او خون می ریخت.

با توجه به سرنخ های موجود، تلاش های کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی با صدور دستورات ویژه ای از سوی قاضی احمدی نژاد برای شناسایی و دستگیری مهاجم مسلح همچنان ادامه دارد.

حمله شیر به مربی اش مقابل چشم معاون رئیس جمهور

تصویر مربی در روزهای قبل از حادثه

یکی از کارکنان باغ وحش دهکده طبیعت باراجین قزوین روز دوشنبه در حین بازدید رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری از این مجموعه مورد حمله یک شیر نر قرار گرفت و مجروح شد. به گزارش برنا، بی احتیاطی و باز بودن در قفس سبب شد تا این فرد روز دوشنبه پس از ورود به قفس شیرها، مورد حمله شیر نر قرار گیرد و این حیوان با دندان، ناحیه سمت چپ بدن وی را مجروح کند. اقدام سریع کارگران و آب‌پاشی به حیوان نتیجه داد و این فرد از دست شیر نجات یافت. این حادثه هنگام بازدید «علی اصغر مونسان» معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری از این باغ وحش روی داد. حسین بی نیاز مدیر کل روابط عمومی استانداری قزوین نیز گفت: این حادثه صدمه جدی وارد نکرده و حال مصدوم که از ناحیه کتف آسیب دیده، خوب است.

۶ کشته در تصادف مرگبار محور قدیم ساوه- تهران

رئیس پلیس راه فرماندهی انتظامی استان مرکزی گفت: بر اثر برخورد دو خودروی سواری در محور قدیم ساوه- تهران، شش نفر از سرنشینان هر دو خودرو در دم کشته شدند.

به گزارش مهر، ایرج کهریزی اظهار کرد: در سانحه رانندگی که عصر دوشنبه در کیلومتر ۵۳ محور قدیم ساوه- تهران، یک کیلومتر بعد از شهر پرندک بر اثر برخورد یک دستگاه خودروی پراید و یک دستگاه خودروی پژو ۴۰۵ رخ داد، سه نفر از سرنشینان خودروی پراید و سه سرنشین خودروی ۴۰۵ جان خود را از دست دادند.

رئیس پلیس راه فرماندهی انتظامی استان مرکزی خاطرنشان کرد: براساس اعلام کارشناس تصادفات پلیس راه استان، علت این سانحه رانندگی، انحراف به چپ از سوی خودروی پژو ۴۰۵ اعلام شده است.

پسر ۱۶ ساله با چاقو مرد ۳۵ ساله را از پا درآورد

سرکلانتر ششم پلیس پیشگیری پایتخت از قتل مرد ۳۵ ساله توسط پسر ۱۶ ساله خبر داد. به گزارش تسنیم، ساعت یک بامداد ۲۳ تیر ۹۸، وقوع یک فقره درگیری در محله مسعودیه به پلیس ۱۱۰ اعلام شد که مأموران کلانتری ۱۵۷ مسعودیه به سرعت در محل درگیری حاضر شدند. مأموران با حضور در محل درگیری با مردی حدوداً ۳۵ ساله مواجه شدند که از ناحیه گردن با ضربات چاقو هدف قرار گرفته و غرق در خون روی زمین افتاده بود.

بلافاصله این فرد به بیمارستان انتقال یافت اما ساعت ۳ بامداد همان روز به علت شدت جراحات وارد شده جان باخت.

با فوت این فرد و تشکیل پرونده قتل، مراتب به بازپرس کشیک قتل پایتخت نیز اعلام شد.

عوامل کلانتری ۱۵۷ مسعودیه در تحقیقات محلی، ضارب فراری را شناسایی کردند و با دستور مقام قضایی مادر وی را به کلانتری انتقال دادند. ضارب نیز با باخبر شدن از انتقال مادرش به کلانتری و باتوجه به این که فکر نمی کرد، مرد مجروح جان باخته باشد، به کلانتری مراجعه کرد.

متهم این پرونده که ۱۶ سال سن دارد، هیچ گونه نسبت خانوادگی با مقتول ندارد و در بررسی های بیشتر مشخص شد درگیری بین آن‌ها بر سر موادمخدر بوده است.

مقتول کارتن‌خواب بوده و در لوازم شخصی وی نیز حدود سه گرم ماده‌مخدر هروئین کشف شده است.

سرهنگ محمد جلینی، سرکلانتر ششم پلیس پیشگیری پایتخت با اعلام این خبر گفت: قاتل برای سیر مراحل قانونی تحویل ماموران اداره آگاهی شد.

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای به شماره ۲۰۹۸۰۰۱۵۱۲۰۰۰۰۰۶ (نوبت اول)

شرکت لوله گستر اسفراین در نظر دارد ۴۰ عدد غلطک سایزینگ مورد نیاز خود را مطابق با نقشه ها و شرح کار پیوستی ارائه شده در اسناد از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای خریداری نماید . متقاضیان میتوانند با مراجعه به سامانه ستاد به نشانی www.setadiran.ir جهت رویت و ارائه پیشنهاد تودیع سپرده شرکت در مناقصه اقدام نمایند . جهت دریافت اطلاعات بیشتر با دبیر کمیسیون معاملات شرکت لوله گستر اسفراین به شماره : ۰۵۸۳۷۲۱۷۳۱۹ تماس حاصل نمائید .

مهلت دریافت اسناد از مورخه : ۹۸/۰۴/۲۶ تا ۹۸/۰۵/۰۱ – **مهلت ارسال تا** : ۹۸/۰۵/۱۳

زمان بازگشایی پیشنهادها : ۹۸/۰۵/۱۴ – **مبلغ سپرده شرکت در مناقصه** : ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

کمیسیون معاملات شرکت لوله گستر اسفراین

۹۸۰۵۱۷۶۸/و

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای به شماره ۲۰۹۸۰۰۱۵۱۲۰۰۰۰۰۷ (نوبت اول)

شرکت لوله گستر اسفراین در نظر دارد کلیه خدمات وتاسیسات عمومی وآماده سازی ، ایجاد و نگهداری فضای سبز مورد نیاز خود را مطابق با شرح کار پیوستی ارائه شده در اسناد از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای واگذار نماید .

متقاضیان میتوانند با مراجعه به سامانه ستاد به نشانی www.setadiran.ir جهت رویت و ارائه پیشنهاد تودیع سپرده شرکت در مناقصه اقدام نمایند . جهت دریافت اطلاعات بیشتر با دبیر کمیسیون معاملات شرکت لوله گستر اسفراین به شماره ۰۵۸۳۷۲۱۷۳۱۹ تماس حاصل نمائید .

مهلت دریافت اسناد از مورخه : ۹۸/۰۴/۲۶ تا ۹۸/۰۵/۰۱ – **مهلت ارسال تا** : ۹۸/۰۵/۱۳

زمان بازگشایی پیشنهادها : ۹۸/۰۵/۱۴ – **مبلغ سپرده شرکت در مناقصه** : ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

کمیسیون معاملات شرکت لوله گستر اسفراین

۹۸۰۵۱۷۷۷/و

در امتداد تاریکی

وقتی به بیمارستان رسیدم...!

هنوز هم از دیدن چهره غضبناک پدرم وحشت دارم. او آن قدر مرا کتک زد که همسایگان مجبور شدند مرا به بیمارستان شهید هاشمی نژاد برسانند.

اگرچه بعد از تماس کارکنان بیمارستان با مراکز امدادی چند روزی به من پناه دادند اما بالاخره مادربزرگم از شهرستان آمد و سوئیتی را برای من و مادرم اجاره کرد ولی باز هم از رفتارهای خطرناک پدرم می ترسم چرا که...

دختر ۱۸ ساله که برای رهایی از تهدیدهای وحشتناک پدرش دست به دامان قانون شده بود درباره سرگذشت خود به کارشناس اجتماعی کلانتری میرزاکوچک خان مشهد گفت: از روزی که چشم به دنیا گشودم هیچ گاه محبت و عاطفه ای از پدرم ندیدم، در عوض پدرم در ارتباط با زنان غریبه بسیار مهربان بود و برای شان دست و دل بازی می کرد اما مرا برای تقاضای خرید لباس یا نوشت افزار کتک می زد. خوب به خاطر دارم که ۹ سال قبل وقتی مادرم را به ستون خانه بست و او را با کابل کتک زد، مادرم تصمیم به طلاق گرفت ولی باز هم با میانجیگری بزرگان فامیل و همسایه ها دوباره به زندگی با پدرم بازگشت. پدرم نه تنها حق طلاق را به مادرم داد بلکه متعهد شد دیگر او را کتک نزند.

با وجود این پدرم هیچ گاه به وعده های خودش عمل نکرد و باز هم مادرم را کتک می زد. پدرم آن قدر حیا را کنار گذاشته بود که حتی از ارتباطش با زنان و دختران غریبه برای مادرم سخن می گفت. با آن که آن زمان ۱۱ سال بیشتر نداشتم از شنیدن این حرف ها بسیار رنج می بردم. هر بار که به مادرم معترض می شدم مرا دعوت به آرامش می کرد و با تاکید بر این که نباید به پدرم بی احترامی بکنم، صبر را پیشه خود می کرد تا روزی پدرم به اشتباه خودش پی ببرد.

در همین حال یک روز وقتی مادرم در خانه نبود، پدرم مرا مجبور کرد با زنی که در آن سوی خط ارتباط تلفنی با پدرم گریه می کرد صحبت کنم تا قلب او شاد شود! در واقع این زن همان کسی است که چند سال بعد فهمیدم با پدرم ازدواج کرده و پسر سه ساله ای نیز دارد.

با وجود این مادرم از ماجرای ازدواج شوهرش اطلاعی نداشت تا این که یک روز مادربزرگم از شهرستان به منزل ما آمد و ماجرای ازدواج پدرم با «میترا» را لو داد.

خلاصه وقتی می شنیدم که پدرم برای دیگران پول های آن چنانی هزینه می کند، زجر می کشیدم تا این که یک روز قول داد برایم نوشت افزار بخرد و از من خواست فهرست لوازم مورد نیازم را که کمتر از ۵۰ هزار تومان باشد برایش بنویسم.

صبح روز بعد وقتی برای رفتن به فروشگاه، سر کوچه رسیدیم، ناگهان یادم آمد که فهرست خرید را در خانه جا گذاشته ام. با آن که هنوز ۵۰ متر بیشتر از منزلمان دور نشده بودیم، پدرم آن قدر مرا در خیابان و مقابل چشمان رهگذران کتک زد که احساس می کردم همه غرور جوانی ام لگد کوب شده است.

بالاخره از طریق مدیر و معاونان مدرسه به مرکز مشاوره آموزش و پرورش معرفی شدم به طوری که مدتی وضعیت زندگی ام تغییر کرد.

تا این که روزی به خاطر برگزاری آزمون پیشرفت تحصیلی زودتر از همیشه از مدرسه بیرون آمدم اما به طور اتفاقی در نزدیکی منزلمان با پدرم روبه رو شدم و او با الفاظ رکیک و توهین های فریادگونه مرا مقابل چشمان دوستانم به باد کتک گرفت. هر چه التماس کردم که شب با هم صحبت کنیم، فایده ای نداشت.

از ترس به سوی خانه گریختم ولی مادرم در خانه نبود. پدرم که در همان راه پله های طبقات مرا به نرده های دیوار می کوبید، وارد خانه شد و تا سر حد مرگ کتکم زد به طوری که حتی چاقو را نیز روی گلویم گذاشت.

او مانند بیماران روحی و روانی گاهی کتکم می زد و برای چند لحظه روی زمین می نشست و باز دوباره کتکم می زد.

فقط بهانه اش این بود که ادعا می کرد «تو مادرت را پر کرده ای تا از من جدا شود! تو کلید مرا برداشته ای!». نمی دانم از کدام کلید نداشته سخن می گفت. با این حال وقتی از خانه خارج شد، همسایه ها به دادم رسیدند و در تماس با اورژانس مرا به بیمارستان شهید هاشمی نژاد مشهد انتقال دادند.

وضعیت جسمی و روحی خرابی داشتم که کارکنان بیمارستان ماجرا را به مراکز امدادی اطلاع دادند و اکنون در حالی که مادربزرگم سوئیتی را برای من و مادرم اجاره کرده است، باز هم از تهدیدهای پدرم می ترسم و....

شایان ذکر است، به دستور سرهنگ احمد محتشمی (رئیس کلانتری میرزا کوچک خان) پرونده این مادر و دختر در دایره مددکاری اجتماعی و دستگاه قضایی مورد رسیدگی و بررسی های ویژه قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی